

❖ **پایگاه‌اشت** ❖

درباره ترجمه کتاب «حکمت»

تصحیح چند اشتباه

آقای مالک حسینی از ترجمه چند مدخل از چند دایره‌المعارف معتبر کتاب خوشخوان و جمع و جوری فراهم کرده با نام حکمت که مدخل خوبی است برای ورود به آنچه به زبان انگلیسی wisdom می‌گویند از چند منظر مختلف: حکمت دینی، حکمت از منظر تاریخ فلسفه، حکمت از منظر فلسفه، حکمت از منظر اخلاق، حکمت از منظر روانشناسی. دو مقاله کوتاه کتاب هم تالیف خود اوست؛ یکی درباره مفهوم حکمت، عموماً، و دیگری درباره اینکه به چه کسی می‌توان امروز مرد حکیم گفت. ترجمه کتاب بر روی هم روبه‌راه است، اما چند سهو در آن به نظر من رسیده که همه را فهرست می‌کنم. با این کار ممکن است فایده کتاب بیشتر شود. نقیصی هم در کتاب هست که در پایان نوشته خواهم آورد و آن ضبط اعلام است. مترجم در صفحه دو خود متذکر شده که «یکی از مشکلات من در ترجمه مقاله رودلف (مقاله اول) ضبط اعلام فراوان آن بود» و با وجود کوششی که در ضبط درست آنها کرده، همه جا موفق نشده است.

این موارد را در دو بخش سهوهای ترجمه و ضبط اعلام برمی‌رسم.

سهوهای ترجمه

۱- در صفحه ۳۵، thunder به «تندر» ترجمه شده، ولی مقصود «اقوال صریح» است. به عبارت دیگر ترجمه تحت‌اللفظی است.

۲- در همان صفحه Pleroma به «پُری» ترجمه شده. معنای لغوی کلمه البته «پُری» است ولی در متون گنوسی به معنای «ساکنان ملاء اعلی» به کار می‌رود. مقصود مولف این است که «حکمت» (سوفیا) در میان روحانیون یا مجردات عالم بالا شخصیتی دوگانه دارد؛ هم خوب است، هم بد، چون در بعضی فرق گنوسی سوفیا (حکمت) باعث هبوط است. بنابراین جمله حکمت «تجسم دوگانه‌ای است ا از پُری گنوسی به ویژه در شکل‌های باریلو و والتینی از آیین گنوسی» معنای درستی ندارد.

۳- در صفحه ۳۸، پاراگراف آخر، در بحث از اندرنامه‌های پهلوی نویسنده می‌گوید «در دیگر اندرنامه‌ها که غیردینی‌تر/ دنیوی‌ترند، حکمت سرآمد فضایل است» اما مترجم می‌گوید: «در اندرنامه‌ها، که غیردینی‌ترند، حکمت سرآمد فضایل است.» سجاوندی کتاب طوری است که انگار مولف اندرنامه‌ها را در برابر دیگر متون قرار داده، ولی چنین نیست. متونی هم که قبلاً از آنها بحث شده، همه اندرنامه‌اند. در واقع بعضی اندرنامه‌ها دینی‌ترند از اندرنامه‌های دیگر.

۴- ص ۴۲ در ترجمه عبارت، She is the genetrix of the Jinas مادر جیناس. Genetrix یعنی «زاینده، مادر» و در واقع مترادف mother است در جمله و در Jinas علامت جمع است، یعنی «جینه‌ها» و «جینه» یعنی «پیروز» و لقب بوداهاست به اعتبار پیروزی‌شان بر چرخه تناسخ. بنابراین ترجمه جمله چنین است: «اوست زاینده و مادر بوداها».

۵- در صفحه ۵۸ عبارتی آمده به این صورت: «برای ارپین این تعریف حکمت بلافاصله پس از «حکمت» ۲۵. ۱۷» به قدرت خدا و به شکوه قادر متعال راجع است.» من اصل آلمانی این مقاله را در اختیار ندارم ولی مترجم مسلماً در ترجمه «بلافاصله پس از حکمت ۱۷، ۲۵» اشتباه کرده؛ لابد در اصل چنین بوده که ارپین دقیقاً بر مبنای فقره ۷/۲۵ از کتاب حکمت سلیمان چنین کرده و چنان کرده. در اصل آلمانی لابد چیزی بوده مثل genau nach مقصود از «حکمت» هم کتاب حکمت سلیمان است از مجموعه متون اپوکریفا.

۶- در صفحه ۷۲ (قبل از یادداشت ۶۵) آنجا که می‌گوید: «موسی بن مینوم... آن کسی را حکیم می‌خواند که شناخت قانون را نه فقط از نقل و روایت آموخته...»، به جای «قانون» باید گفت «تورات».

اشباه در ضبط اعلام

۱- ص ۲۶ و جاهای دیگر به جای احقر، احقار، آمده.
۲- ص ۳۶ «ست» به جای «شیت» آمده. در بعضی فرق گنوسی شیت، پسر آدم، برجسته است و یکی از فرق گنوسی به نام اوست، شیئیه یا شیثیان، که آن هم در همان صفحه به صورت «ستیان» ضبط شده. اما توجه شود که مترجم مثلاً «قابیلیان» (cainites) را درست ضبط می‌کند. پیداست که درنیافته seth همان شیت است.

۳- ص ۳۶ به جای آرخون‌ها، آرکن‌ها ضبط شده. ضبط

❖ «محدثن علیپور» ❖

جهانی شدن حقوق و حاکمیت ملی

جهان گرایی یک روند تاریخی است که از گذشته‌های دور تاریخی ملت‌ها و دولت‌ها برای تعامل و روابط با یکدیگر پاره‌ای از تعهدات و الزامات را به‌خصوص در امور تجاری به‌صورت عرفی می‌پذیرفتند. با انقلاب صنعتی و ظهور و توسعه تجارت جهانی و تشکیل بازارهای مالی این روند رشد شتابانی به خود گرفت، به طوری که دولت‌ها مجبور شدند برای ورود به این باشگاه جهانی، پاره‌ای از الزامات و تعهدات را در تدوین قوانین داخلی و بین‌المللی بپذیرند. اما از دهه ۱۹۸۰ میلادی با توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی مثل کامپیوتر و اینترنت و ارتباطات مخابراتی، که تحولی در امر تجارت جهانی و بازارهای پولی و مالی از یک سو، و توسعه ارتباطات و آگاهی‌های فرهنگی از سویی دیگر برای مردم جهان فراهم آورد، موقوله‌ای به نام جهانی شدن یا Globalization وارد ادبیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شد. دهه ۱۹۹۰ با فروپاشی کمونیسم که تقریباً نیمی از جهان را شامل می‌شد و با ورود این کشورها به این باشگاه جهانی، جهانی شدن مصداق کامل‌تری یافت. البته

مشهور در فارسی همان است که به تلفظ یونانی نزدیک‌تر است.

۴- ص ۴۰ نام رساله تعلیمی «هیتوپیدیشه» به صورت هیتپدسه آمده.

۵- ص ۴۱ «مهایانه» به صورت «مهاینه» ضبط شده و «مادهیمیکه» به صورت «مادیمیکه».

۶- ص ۴۳ «منجو سَری» به جای «منجوسری» درست است، «سرسوتی» به جای «سروتی» (این نام در پاورقی هم به نادرست Saravati آمده)، «اولوکیتیشوره» به جای «اولکیتسوره» و «یوگاچاره» به جای «یوگاکاره».

۷- ص ۵۰ و جاهای دیگر: فیثاغورس همه جا به نادرست و به قیاس فیثاغورث آمده.

حکمت به معنای کلی در مکاتب گوناگون وجود داشته و دارد و بعضاً مفهومی گسترده را دربرمی‌گیرد اما در اکثر مواقع در صحبت‌های عامیانه مترادف با علمی دینی گرفته می‌شود. کلمه حکمت در تاریخ ادبیات و فلسفه ایرانیان نقش مهمی ایفا می‌کند. تعریف حکمت و تقسیم‌بندی آن در اکثر مواقع همراه با جدل‌های بسیار بوده است. حکمت کلمه‌ای عربی است که به واسطه حضور در قرآن وارد گفتمان متکلمان و پس از آن فلاسفه اسلامی شد. حکمت در قرآن بیشتر به معنای کتاب به کار برده می‌شود و البته در تفسیرهای قرآن معناهای دیگری نیز برای آن گفته شده. به عنوان مثال مرحوم طباطبایی در تفسیر المیزان در تعریف حکمت می‌گوید: «حکمت قضایای مطابق با واقع است؛ قضایایی که به گونه‌ای سعادت انسانی را دربر می‌گیرد مثل معارف الهی مربوط به مبدء و معاد.» پس



۸- در ص ۵۶: یک غلط هست که چند جای دیگر (از جمله ص ۵۷) هم تکرار شده و آن این است که noisis (نویسیس، دانش) بر اثر بی‌دقتی در خواندن کلمه یونانی «نوموس» ضبط شده و معلوم است که میان «ناموس، قانون» و «دانش» فرق بسیار است و خواننده نااشنا را گمراه می‌کند. عجیب است که خود مترجم متوجه بی‌معنای جملاتی که به این صورت به وجود آمده نشده است.

۹- در ص ۵۷ «هواتف کلدانی» یا «پیشگویی‌های کلدانی» (Chaldäische Orakel) «کاهن کلدی» ترجمه شده: oracle /Orakel در هیچ زبانی معنای «کاهن» ندارد و منسوب به کلده، کدانی است. مساله در فلسفه نوافلاطونی اهمیت دارد و از محققان آشنا، هانری کربن به آن توجه کرده است.

۱۰- در همان ص ۵۷ «عیسای سیراخ» نادرست است و در واقع همان شیوع بن سیرا یا سیراخ است که در جاهای دیگر کتاب هم نام او آمده (حکمت بن سیرا) و مترجم متوجه نشده که این دو یک نفرند.

۱۱- در ص ۶۱ «کیلروو» (Clairvaux) «کلایرواوکس» ضبط شده.

۱۲- ص ۱۱۰ «دهمیده»، «مَدمیده» ضبط شده.
۱۳- دو غلط املائی هم در کتاب هست: در ص ۵۱ به جای «علامگانی»، «علامه گانی» آمده و در ص ۱۱۳ به جای «ناخشوند»، «ناخوشوند». این همه سهوهایی است که در کتاب به نظر من رسیده. ممکن است نادرستی‌های دیگری هم در ترجمه کتاب باشد.

❖ **پایگاه‌اشت** ❖

به مناسبت انتشار کتاب «حکمت»

درباره وجوه مختلف حکمت

متفاوتی از آن ارائه داده است. ارتباط حکمت با دو عنصر دین و فلسفه در طول تاریخ همواره وجود داشته و در ادیان و مکاتب گوناگون این ارتباط متفاوت بوده است. به عنوان مثال در آیین کنفسیوس حکمت کمتر دینی و بیشتر اخلاقی- فلسفی بوده است. در ادیان ابراهیمی این ارتباط بیشتر دینی شده و کمتر به بعد فلسفی حکمت پرداخته شده. حکمت در ادیان ابراهیمی به عنوان صفاتی از صفات خداست که در اسلام بشری می‌تواند تا حدودی برای رسیدن به معارف ایزدی به آن دست یابد. البته ارتباط حکمت با دین در بعد کلی ادیان وجود داشته و اکثر ادیان با حکمت رابطهای تنگاتنگ داشته‌اند و آن را در اختیار گرفته بودند. البته این صرفاً یک روی ارتباط دین و حکمت است. حکمت بعضاً در تعارض با دین قرار می‌گرفته. به عنوان مثال در یونان باستان حکمت در تعارض با دین رسمی قرار گرفت و برداشتی به غایت سکولار را ارائه داد که منجر به پیدایش علوم عقلی شد. اما باز همان سوال مطرح می‌شود که حکمت چیست یا حکیم کیست؟ حکیم در ادبیات و فرهنگ‌های مختلف تعاریف متفاوتی دارد. بعضاً به عنوان یک فرد دانشمند معرفی می‌شود یا گاهی به عنوان فردی که می‌داند چه باید بکند و همه بنا به علم و دانشش به او رجوع می‌کنند. فریتس ماوتنر در واژه‌نامه فلسفه، حکمت و حکیم را این‌گونه تعریف می‌کند:«به نظر من حکمت فقط به این معنا نیست که صاحبان این صفت، یا دارای این شیوه تفکر در هر موقعیتی قادرند در پیگیری اهداف نظری یا عملی خود با حزم کمپایی عمل کنند. حکمت علاوه بر آن به این معناست که آنها قادرند درباره ارزش اهداف نظری و عملی مورد بحث داوری کنند. شاید به این معنا همه هست که چنین افرادی مطابق داوری‌هایشان عمل می‌کنند.»به عنوانی نمی‌توان ارتباط حکمت و دین یا ارتباط حکمت و فلسفه را یک دوگانه مشخص و یگانه در نظر گرفت که در کل تاریخ همواره به همان شکل بوده است. شاید بتوان گفت حکمت سرشتی فرهنگی و جهانی- انسانی دارد. حکمت دانشی ممتاز است که از سویی بر تجربه انسانی مبتنی است و از سوی دیگر بر منشاء الهی آن تاکید می‌شود. البته حکمت آنجا که فلسفه از آن نشأت می‌گیرد، موضوع فلسفه می‌شود. ا. اشپر اعتقاد دارد «این امر اولین بار در یونان قدیم روی می‌دهد که به نوبه خود با سنت‌های حکمی خاور نزدیک پیوستگی تنگاتنگی دارد. اینجاقطه عزیمت تعریف فلسفی مفهوم حکمت است که در سیر تاریخی سنت‌های حکمی دیگر نیز در حد اهمیت اصیل فلسفی‌شان در آن وارد می‌شود.»

در کل از حکمت تعاریف بسیاری وجود دارد و موضوعات بسیاری را دربر می‌گیرد که در مجال این بحث نمی‌گنجد حکمت با آنکه موضوعی آشنا برای اغلب فکر و نظر است اما نسبت‌های حکمی شده و کمتر مورد بحث و نظر قرار گرفته است. حکمت مانند بسیاری دیگر از کلمات بدون داشتن معنای مشخصی نزد گوینده و شنونده مطرح می‌شود و هر دو با تعریف خاصی که از این لغت در ذهن خود دارند که در اکثر موارد ناقص یا اشتباه است درباره آن نظر می‌دهند. اخیراً کتابی تحت عنوان حکمت چند رویکرد به یک مفهوم با ترجمه و تالیف مالک حسینی توسط انتشارات هرمس روانه بازار شده که تحقیق و پژوهش ارزشمندی است درباره حکمت. مالک حسینی با انتخاب متون ارزشمند و ترجمه خوب آنها توانسته ابعاد مختلف حکمت را مورد نقد و بررسی قرار دهد. حکمت با حجم اندک کلیات خوبی درباره حکمت به مخاطب می‌دهد. البته خود مولف نیز ادعایی فراتر از این ندارد و در الحاد ذکر شده است. حکمت در عین حال که بعضاً هم‌معنی با فلسفه به کار برده می‌شود در آثار فلاسفه اسلامی مانند بوعلی سینا نیز ظهور و بروز داشته. وی حکمت را به دو قسم عملی و نظری تقسیم می‌کند (مانند معلمش ارسطو) و برای هر یک تعریفی به کار می‌برد. بوعلی سینا خود حکمت را این‌گونه تعریف می‌کند: «الحکمه استکمال النفس الانسانیّه بنصور الأمور و التصدیق بالحقایق النظریه و العلمیّۀ علی قدر طاقه البشریّه» (حکمت کمال بخشیدن به نفس آدمی است از طریق تصور امور و تصدیق حقایق نظری و عملی به اندازه توانایی آدمی). البته‌از منظر اکثر اندیشمندان متأخر حکمت در معنا بار عملگرایی دارد و اساساً می‌توان تفاوت آن را با فلسفه محض در همین دانست. البته این‌سینا مانند بسیاری دیگر از فلاسفه حکمت را هم‌معنای فلسفه گرفته‌و از این رواین‌گونه به تعریف آن پرداخته است. در تعریفی کوتاه‌از تقسیم‌بندی حکمت باید گفت حکمت-نظری‌از هست‌ها و است‌ها سخن می‌گوید، و حکمت عملی‌از باید‌ها، شاید و نشاید‌ها. حکمت عملی دربرگیرنده الهیات، ریاضیات و طبیعیات است و حکمت عملی دربرگیرنده اخلاق، سیاست و جامعه‌تأیه به‌حکمتی افرا در دوره حکومت او را باید اسلامی بود اما همان طور که اشاره شد حکمت امری کلی است که در تاریخ بشر بارها و بارها مورد استفاده قرار گرفته و هر مکتبی با توجه به مبدء خود تعریف

❖ **پایگاه‌اشت** ❖

از خود نشان داده‌اند. که البته تاریخ معاصر شاهد عدم توانایی این نظام‌های سیاسی- فاشیسم، نازیسم و سوسیالیسم – در مقابل این موج بوده است. در این کتاب سعی بر این است که هر چند جهانی شدن در همه عصرهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأثیرگذار اِرد و برای ورود هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد، اما تأثیر آن را بر حاکمیت ملی با رعایت دیدگاه‌های مختلف و نظام‌های متفاوت سیاسی، به خصوص دولت‌هایی که نمی‌خواهند یا نمی‌توانند قوانین و مقررات و عرف و ارزش‌های نوین بین‌المللی را رعایت کنند، مورد بررسی قرار دهد.

نویسنده تشبیه دولت به «لویاتان» یعنی موجود عجیب‌الخلقه‌ای که در دریا زیست می‌کند را حاصل اندیشه توماس هابز می‌داند که تداعی موجود مصنوعی دولت با توانایی‌های فراوان و همه‌جانبه‌ای داشت که اروپا در قرون ۱۶- ۱۵ نیاز فراوان به آن داشت. اما هنوز دولت‌هایی وجود دارند که خواهان چنین قدرتی هستند. کتاب جهانی شدن حقوق و حاکمیت ملی را دکتر اسدالله مرتضوی نوشته و نشر پایان آن را در ۱۲۴ صفحه و قیمت ۳۰۰۰ تومان چاپ و منتشر کرده است.

❖ **صفحه کتاب** ❖

❖ **مارکس جامعه‌شناس و فیلسوف** ❖

 		
 		
گزیده نوشته‌های مارکس...		
باتامور و روبل		
مترجم: پرویز بابایی		
ناشر: انتشارات نگاه		
قیمت: ۸۵۰۰ تومان		

را در ویرتین کابفرووشی‌ها مشاهده کنند. از این رو شاید دیگر کتابی چون «گزیده نوشته‌های کارل مارکس در جامعه‌شناسی و فلسفه اجتماعی» چندان به کار خواننده فارسی‌زبان نیاید. نویسندگان این کتاب در مقدمه اثر خود که به سال ۱۹۶۴ نوشته شده است، گفته‌اند یکی از دلایل انتشار این کتاب به زبان انگلیسی عدم وجود ترجمه‌های مناسب از آثار مارکس در زبان انگلیسی است، در حالی که در زبان فارسی اکنون چه نقیصه‌ای کمتر اهمیت دارد. اما این کتاب از سوی دیگر به کار کسانی که چندان آشنایی با نظریات مارکس ندارند می‌آید. مخصوصاً اگر خواننده به جامعه‌شناسی و فلسفه اجتماعی علاقه‌مند باشد، می‌تواند گزیده آرای مارکس را در این حوزه در کتابی که پرویز بابایی ترجمه کرده بخواند.

❖ **شور آزادی** ❖

 		
 		
شور آزادی		
بن‌زمین کنستان		
ترجمه عبدالوهاب احمدی		
چاپ اول: ۱۳۸۹		
انتشارات: آگه		
قیمت: ۴۲۰۰ تومان		

پرداخته شده است یکی از متون مرجع علوم سیاسی به شمار می‌رود. این کتاب در چهار بخش تنظیم شده است. جلال قلمی نیز که میان کنستان و کانت درباره اصول و اخلاق در گرفته بود یک بخش از این کتاب را تشکیل داده است. آزادی مطبوعات، خودکامگی و تأثیرهای آن و کمال پایندگی نوع بشر محورهای سه فصل دیگر آن هستند. کنستان در این کتاب به نقد آرای منتسکیو و روسو می‌پردازد و از این رهگذر پایه‌های نظریه خود را که در واقع سنتزی از دموکراتیسم روسو و لیبرالیسم منتسکیو است پی می‌نهد. در بخش مربوط به آزادی بیان کنستان برشمردن آسیب‌های محدود کردن نوشتار را برمی‌شمرد. بخش مفصلی از کتاب شور آزادی به تعریف و تبیین مضار خودکامگی اختصاص یافته است و البته با این بشارت پایان می‌پذیرد که عمر طولانی‌ترین دوره‌های استبداد به اندازه آزادی انگلستان نبوده است چراکه اعتقاد کنستان این دموکراسی است که با طبع بشر همساز است.

❖ **زیبایی به ضریب مفاهیم** ❖

 		
 		
مبانی زیباییشناسی		
پی‌یر سوانه		
محمدرضا ابوالقاسمی		
چاپ اول: ۱۳۸۹		
نشر: ماهی		
قیمت: ۴۰۰۰ تومان		

می‌پردازد. این کتاب به نوعی از زمینه فلسفه قاره‌ای تراویده است و حاوی بررسی نگره‌های فیلسوفان متقدم نظیر افلاطون و ارسطو تا متأخرانی چون ژیل دلوز، مرلو پونتی، دریدا و... است. سوانه کوشیده گونه‌ای تبارشناسی زیبایی را از رهگذر رهیافت‌ها و تئوری‌های تاریخ نامتعارف فلسفه مطرح و صورت‌بندی کند. این درسنامه در شش فصل فشرده و مترامک و در عین حال روان و سلیس به مسائلی چون زیباشناسی، تقلید، هنرمند، اثر هنری، مقایسه و طبقه‌بندی هنرها (پاراگوئن) و داوری زیباشناختی می‌پردازد. این کتاب با کنار گذاشتن رویکرد گاهشمارانه به تاریخ زیباشناسی اساساً کوشیده است با رویکردی مفهوم‌محور تاریخ زیباشناسی را مورد کاوش قرار دهد. باید اعتراف کرد مترجم در ترجمه این درسنامه زبان و نثر پاکیزه و دقیقی را در دستور کار قرار داده است. مولف در پایان هر بخش، کتابنامه مختصر و مفیدی درج کرده است که می‌توان بیش از پیش مفاهیم مندرج در درسنامه را پیگیری و تحقیق کرد. این کتاب را محمدرضا ابوالقاسمی ترجمه و نشر نی منتشر کرده است.

❖ **فالاچی و هفت چهره سیاسی** ❖

 		
 		
گفت‌وگوهای اورپانا فالاچی		
انتخاب و ترجمه: غلامرضا امامی		
نشر: افق		
چاپ ششم: ۱۳۸۹		
قیمت: ۳۵۰۰ تومان		

امام خمینی: ایران در دست من نیست، در دست ملت است. و ملت هم کسی که خدمتگزار باشد و مصالح‌شان را بخواهد، با آزادی مطلق به او ممکن است رو بیاورد. ملاحظه کردید در قوت مرحوم آقای طالقانی سرنیزه‌ای نبود، زوری نبود، مردم با آزادی ریختند در خیابان‌ها و همه ایران منقلب شد...

این جملات بخشی از گفت‌وگوی اورپانا فالاچی با امام خمینی(ره) است؛ روزنامه‌نگار ایتالیایی که به دلیل گفت‌وگوهای تاریخی‌اش با شخصیت‌های تأثیرگذار سیاسی شهرتی جهانی دارد. کتاب «گفت‌وگوهای فالاچی» شامل آخرین گفت‌وگوهای اوست با چهره‌های مطرح جهانی: هفت چهره سیاسی معاصر، امام خمینی، مهندس بازرگان، سرسنگ ذقانی، شازرون، لغ ولسا، محمدرضا پهلوی و راکوووسکی. غلامرضا امامی این مجموعه را از نشریه معتبر ایتالیایی، «کوریره دل‌اسرا» گردآوری و ترجمه کرده است. این گفت‌وگوها تنها در ایران در قالب یک «مجموعه» منتشر شده است. در چاپ‌های گذشته این کتاب مورد استقبال مخاطبان ایرانی قرار گرفت. چاپ این گفت‌وگوها به صورت مجموعه در ایران به دلیل جذابیت و اهمیت گفت‌وگوهایی است که فالاچی با چهره‌های تأثیرگذار ایرانی انجام داده است. چاپ ششم این کتاب به تازگی از سوی نشر افق منتشر شده است.

❖ **راهی برای تهیدستان** ❖

 		
 		
راه دیگر		
ارژاندو دوستو		
ترجمه: جعفر خرواهان		
نشر: نی		
چاپ اول: ۱۳۸۹		
قیمت: ۶۸۰۰ تومان		

نویسنده کتاب «راه دیگر» با شرح این مساله راه‌حل‌های آن را بررسی می‌کند. «راه دیگر» ماجرای تهیدستان یک کشور است که به طور خودجوش جامعه بازارمدار را ایجاد کردند. «راه دیگر» می‌تواند راهنمای عمل افرادی باشد که قصد کمک به تهیدست‌ترین اقشار جامعه را دارند. دوستو با شرحی مفصل نشان می‌دهد چگونه گروه‌های تهیدستانی که زمین‌ها را به تصرف خود در آورده‌اند، سازماندهی شده، تلاش می‌کنند جهانی را که ساخته‌اند، قانونی کنند. این اقتصاددان پرویی با نگارش این کتاب، افقی متفاوت پیش روی محرومان کشور پرو نهاد و به جای اینکه فقرا را لشگر پول‌نار یا بیبند، نشان داند آنها کارآفرینان نوپایی هستند که بزرگ‌ترین ارزش‌شان نابودی بازار اقتصاد نیست بلکه پیوستن به آن را در سر می‌پرورانند. راهی که او برای برون‌رفت از این وضعیت در کشورهای جهان سوم پیشنهاد می‌کند، اصلاح قوانین نام دارد. قوانینی که تنها به سود واضعان آن یعنی سرمایه‌داران شکل می‌گیرد. دوستو فقر را دلیل اصلی شکل‌گیری گروه‌های خدشون و ترور می‌داند و اصلاحات قانونی و در پی آن اقتصادی را راه‌حل فقرزدایی و مبارزه با تروریسم معرفی می‌کند.